



پیش گفتار «جنگ شعاع»

بخش دوم
دکتر معتمد رضا خاکی

دویم، در بیان مصایب جناب سیدالشهدا، از روز مردن معاویه و بر تخت نشستن یزید ملعون و بیعت خواستن از آن جناب و قبول بیعت نفرمودن ایشان و طلبیدن آن جناب رابه کوفه و مقدمات واقعه در عرض واه کربلا و ایام توقف در آن سرزمین محنت فرین الی شهادت یافتن آن امام بزرگوار از ظلم فرقه اشراک» عنوان فصل سوم نیز که دارای ۱۱ مجلس است از این قرار است: «در نکر و بیان مصایبی که بعد از شهادت جناب امام حسین علیه السلام و اسیری اهل بیت آن بزرگوار به جهت خاندان عصمت و مخدرات سرآورده‌ی طهارت آن جناب روی داده در عرض راه شام محنت انجام و ورود و توقف در آن ولایت تا مراجعت ایشان به مدینه‌ی طیبه و وقایع اتفاقیه در آن روضه‌ی عرش‌نشان» فصل اول نیز یادآور روایت از مجلس «یحیی بن زکریا» آغاز و با دو روایت از مجلس «شهادت امام حسن علیه السلام» به پایان می‌رسد؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که فصل اول این مجموعه شامل نسخ مجلس تعزیه مربوط به وقایع پیش از عاشورا است و فصل دوم نسخ تعزیه مربوط به وقایع عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام و همراهان و یارانش را تشکیل می‌دهد. و فصل سوم در ارتباط با وقایع بعد از عاشورا و اسارت بازماندگان و اهل بیت آن حضرت در شام تا مراجعت به مدینه است؛ اما به غیر از عنوان این مجموعه که بدان اشارت رفت، در جهت شناسایی این

گردآوری و نوشته شده است. ثانیاً در ابتدا و انتهای مجموعه به وضوح مهر «شعاع الملک» نقش شده که تعلق و تملک آن را به کتابخانه‌ی شخصی وی نشان می‌دهد.

در سال ۱۹۸۸ آقای احمد سهیلی خوانسناری که سال‌ها مدیر کتابخانه‌ی ملک بود به علت بیماری و بزرگی مداوا به پاریس آمده بودند به دیدارشان رفتم و از ایشان درباره‌ی این مجموعه‌ی تعزیه و چگونگی انتقال آن به کتابخانه ملک جويا شدم، نامبرده در حاشیه‌ی نسخه عکسی که از آن در دست من بود چنین نوشتند:

«قسمتی از کتاب‌های کتابخانه «مرحوم شعاع الملک شیرازی» نصیب مزارعی نامی از اهالی شیراز شد، وی تمام آن‌ها را به تهران انتقال داد و در خیابان شاه‌آباد در سال ۱۳۳۹ مقابل باغ سپهسالار کتابفروشی باز کرد؛ این کتاب آرا که به قطع رحلی و کاغذ فستقی به خط شکسته نستعلیق نوشته شده به مبلغ یکصد تومان نگارنده برای کتابخانه ملی ملک خریداری کرد. احمد سهیلی خوانسناری پاریس ۷ سپتامبر ۱۹۸۸». این مجموعه به شکلی که امروزه به ما رسیده، دارای سه فصل است؛ عنوان موضوعی فصل اول آن که دارای ۲۵ مجلس تعزیه‌نامه است موجود نیست و گمان می‌رود که در همان صفحه و یا صفحات کم شده آغاز مجموعه نوشته شده باشد؛ اما عنوان فصل دوم که دارای ۶۱ مجلس است در متن چنین آمده: «فصل

و اما مجموعه «جنگ شعاع» این مجموعه‌ی دست‌نوشته تعزیه‌نامه همان مجموعه‌ای است که پیش از این به آن اشاره شد و به کتابخانه ملی ملک تعلق دارد. مشخصات مجموعه این مجموعه در فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک در صفحه ۱۰۰ تحت شماره ۲۸۱۶ چنین معرفی شده است:

«آغاز (افتاده)

آغاز بزرگوار خدایا به کردگاری تو به حق ذات و صفات و بزرگواری تو انجام خطاب من به شما ای متابعان یزید ز قتل زینب دلخسته دست بردارید به خط نستعلیق اولخر قرن دوازدهم ه ق در ۲۱۹ برگ ۲۷ سطری به اندازه‌های ۲۲/۴×۳۲/۴ سانتی‌متر، کاغذ فستقی آبی، جلد رویه کاغذ آبی فرنگی، عناوین و نشان شنکرف دارای مهر تملک شعاع الملک» (۱)

در هیچ جای این مجموعه، تازیخی که زمان نوشتن آن را نشان دهد، دیده نمی‌شود و نامی هم از کاتب مجموعه و سراینده یا سرایندگان تعزیه‌نامه‌ها وجود ندارد. چنین به نظر می‌رسد که آقایان ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه با توجه به نوع خط نستعلیق و نیز جنس کاغذ آبی فرنگی، آن را متعلق به اواخر قرن دوازدهم ه ق دانسته‌اند.

از دیگر مشخصات این مجموعه آن است که اشعار نسخه‌ها در هر صفحه در چهار ستون و به صورت متوالی نوشته شده است. پیداست که این مجموعه یک صفحه آغاز یا عنوانی هم داشته است که موجود نیست و به اصطلاح افتاده است. و اگر باقی مانده بود، احتمال داشت که نام سراینده، گردآورنده و یا دلایل گردآوری و یا تاریخ کتابت و نام کاتب آن و بالاخره نام و عنوان اصلی این مجموعه را در خود داشت.

همانگونه که اشارت رفت، به دلیل افتادن صفحه یا صفحاتی در ابتدا، این مجموعه فاقد نام و نشانی خاصی است و عنوان «جنگ شعاع» هم که از طرف ما به این مجموعه داده شده و دو دلیل است: اولاً به سبب آن که تمام نسخ آن از نظر ترتیب نسخه‌نویسی به شیوه‌ی «جنگ» (۲)

مجموعه پرسش‌های مطرح می‌شود که: سراینده و یا سراینندگان آن چه کسی یا کسانی بوده‌اند؟

می‌دانیم که در خصوص وقایع مذهبی، به ویژه واقعه غم‌انگیز کربلا، از سوی شعراء و ادبای فارسی زبان، آثار فراوانی به نظم یا به نثر به تحریر درآمده است و منابع بسیاری به وجود آمده که بیانگر تلاش‌های ذوقی و هنری آنان است. تعزیه‌نامه‌ها هم که از جمله آثار و منابع ذوقی تلاش‌های مردمی در چارچوب نمایش است، بخش قابل توجهی از منابع فرهنگ مردم، پیرامون وقایع مذهبی را شامل می‌شود. استاد صادق همایونی می‌نویسد:

«در باره‌ی سراینندگان تعزیه‌ها سخن بسیار است، زیرا عموماً از ذکر نام و امضاء ذیل تعزیه [نامه‌ها] و اشاره بدان که مصنف چه کسی است خودداری می‌کردند و تنها متوجه اجر معنوی و اخروی آن بودند که البته گاه اشعار یک تعزیه ترکیبی است از اشعار چند شاعر مختلف که یک «تعزیه بردان» آن‌ها را تنظیم و تدوین و تألیف کرده [است]» (۳)

آقای پروفسور پیتز چلکوفسکی نیز درباره‌ی نویسندگان تعزیه‌نامه‌ها چنین نظر می‌دهد: «بیشتر متون تعزیه به دست نویسندگان ناشناخته نوشته شده چون این کار نوعی دینداری و خدمت محسوب می‌شود.» (۴) استاد بهرام بیضایی نیز متذکر می‌گردند که: «مقتل نویسان هرگز امضایی از خود به زیر آثارشان نمی‌گذاشتند. گویا پادشاه آخرت را کافی می‌دانستند. امروزه از ایشان جز چند نامی در دست نیست و از احوالشان جز اندکی، می‌دانیم که تقریباً بیشتر آن‌ها کارگردان لاقول اولین اجرای آثار خود بوده‌اند.» (۵)

تأکید محققین و تعزیه‌شناسان به روشنی دشوار بودن کار بازشناسی نام و نشان سراینندگان تعزیه‌نامه‌ها را روشن می‌سازد. معذالک، اسامی پاره‌ای از آن‌ها در مقام سراینده‌ی متن و یا به عنوان کاتب نسخه گهگاه در پیش و پس نسخه‌ها دیده می‌شود؛ در سال‌های پیش از انقلاب، نگارنده به هنگام مطالعه و نسخه برداری دست نوشته‌های تعزیه کتابخانه مجلس، اسامی سراینندگان و کاتبان نسخه‌ها را یادداشت برداری نمودم

و از مجموع نسخه‌های آن کتابخانه ۸۴ مورد را دارای نام و نشان دیدم؛ به عنوان مثال در پایان مجلس «سر در تنور نهادن خولی علیه‌اللعنه سر امام حسین (ع) را» چنین آمده: «تمام شد، مجلس سر در تنور نهادن خولی لعین در شب دوشنبه هشتم ذی‌حجه الحرام به سعی و اهتمام بنده درگاه محمد باقر معین البکاء [!] التماس دعا از خواننده دارم که بگویند خدا مرحوم میرزا محمد تقی [عمویش] را بیامرزد. این مجلس با مجلس ورود به گورف آخت می‌باشد، بعد از وارد شدن شعر و خبر دادن به ابن زیاد بخوانند [تا] تمام شود، بعد،



شعر، شرح حال بخواند اهل بیت وارد شود.

[به تاریخ] ۱۲۹۲ هـ ق «(۷)

البته آوردن چنین یادداشت‌هایی در آخر نسخه‌ها با ذکر نام و تاریخ عمومیت ندارد و قاعده نیست و اگر هم باشد بیشتر تأکید بر بی‌نامی و طلب دعاست. مثلاً در حاشیه نسخه «مجلس تعزیه عبدالله زبیر» کتابخانه مجلس چنین آمده: «تحریر گردید از خواننده التماس دعا دارم، هرگاه سهو و غلطی شد باید عفو نمایید. حرره آن کس که اسمش لایق تحریر نیست.» (۸)

پس، در مورد نام سراینندگان و یا کاتبان تعزیه‌نامه‌ها- جز در نسخه‌های کم‌شماری که نام و نشان دارند- به دشواری می‌توان اظهار نظر کرد و با قاطعیت سخن گفت؛ به

همین دلیل من نیز با قید احتیاط و احتمال می‌خواهم فرضیه خود را درباره‌ی سراینده و یا گردآورنده‌ی مجموعه‌ی «جنگ شعاع» مطرح نمایم.

به استناد «تذکره‌ی گنج شایگان» نوشته‌ی میرزا طاهر شعری، می‌دانیم که میرزا تقی‌خان امیرکبیر در دوره‌ی صدارت خود در باب بهبود سطح کیفی و پالایش اشعار تعزیه‌ها که- اغلب سنست و نامربوط بود- به میرزا نصرالله اصفهانی ملقب به تاج‌الشعرا دستوراتی داده است؛ میرزا طاهر دیباچه‌نگار اصفهانی در این خصوص می‌نویسد:

«... در اوایل این دولت دوران مدت [ناصرالدین شاه] که وزارت ملک و امارت نظام بر میرزا تقی‌خان امیر نظام که از کفایت دهر و دهامپ ایام بود قرار گرفت وی نیز کمال قدر او را [شهاب را] در اصالت و علو شأن او را در فصاحت و بلاغت بر شناخت و به اندازه‌ی رتبتی که داشت بناوخت و مرسوم می‌که در دیوانش بود امضاء نمود و از آنجا که در مجالس تعزیت و محافل شبیه ماتم و مصیبت حضرت خامس آل عبا آلا ف التحیه و الثناء، اشعاری که فی مابین اشباه اهل بیت مکالمه می‌شد غالباً سنست و غیر مربوط و مهمل و مغلوط بود، میرزا تقی‌خان وی [شهاب] را مأمور داشته چنین گفت که: دوازده مجلس از آن وقایع را متضمناً بالبدایع و الصنائع، به اسلوبی که خواص بپسندند و عوام نیز بهره‌مند شوند موزون ساز، شهاب نیز آن اشعار را چنان گریه خیز ساخت و بدان گونه غم‌انگیز بهره‌داخت که اگر دل سامع به سختی حجر موسی است، استماعش را اثری است که در همان عصاصت.» (۹)

روانشاه، محمد جعفر محبوب در مقاله‌ی «تأثیر تئاتر اروپایی و نفوذ روش‌های نمایشی آن در تعزیه» ضمن اشاره به روایت «گنج شایگان» یادآور می‌شود:

«از آنجا که به گفته میرزا طاهر شعری، امیر کبیر در هنگام صدارت خود دستور انجام این اصلاحات در متن تعزیه را داده، پس از این اصلاحات باید در سال‌های میان ۱۲۶۳ و ۱۲۶۸ هـ ق/ ۱۸۳۷-۱۸۵۲ میلادی رخ نموده باشد.» (۱۰)

استاد صادق همایونی نیز در کتاب «تعزیه

در ایران» می نویسد:

«میرزا نصرالله اصفهانی که متخلص به «شهاب» است و لقب «تاج الشعراء» بی را در دوره‌ی محمد شاه [قاجار] دارا بوده، برای لایحه و حمایت از تعزیه گام‌هایی برداشته و تعزیه‌هایی را سروده است، که از جمله آن‌ها تعزیه مسلم است که بنا به تشویق امیرکبیر سروده شده است.» (۱۱) اما آقای دکتر عنایت‌الله شهیدی در این باره که متن‌های منسوب به شهاب را خود وی نوشته یا نه چنین اظهار نظر می‌کند: «برخلاف نظر همگان شهاب اصفهانی تعزیه نویس نبود، بلکه فقط شبیه‌خوان بود. به نظر من تعزیه‌های منسوب به او توسط افراد دیگری نوشته شده است.» (۱۲) جمشید ملک‌پور نیز در کتاب «سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی (تعزیه)» نوشته است:

«به تشویق امیرکبیر «نصرالله اصفهانی» متخلص به «شهاب» حدود شصت مجلس از تعزیه‌نامه‌ها را به نظم درآورد. هدف از این کار پالایش شعرها از لحاظ ادبی بود. این کوشش نافرجام ماند.» (۱۳) در نظریات یاد شده‌ی محققین به روشنی اختلاف‌هایی دیده می‌شود؛ روان‌شاد محمدجعفر محبوب با استناد به گفته میرزا طاهر با آن که انجام گرفتن اصلاحات در متون تعزیه توسط شهاب را پذیرفته و حدود سال‌های انجام گرفتن آن را نیز ذکر کرده، معذالک متذکر نشده که شهاب خود تعزیه سروده است.

و نیز با آن که دکتر شهیدی تأکید نموده که شهاب تعزیه نویس نبوده و متن‌های منسوب به او را دیگران نوشته‌اند، استاد همایونی تصریح کرده‌اند که شهاب به تشویق امیرکبیر تعزیه‌هایی را سروده و «تعزیه مسلم» را از آن جمله دانسته است. جمشید ملک‌پور هم به نوبه‌ی خود، با آن که به نظم در آوردن شصت مجلس تعزیه توسط شهاب اشاره کرده اما کوشش وی را نافرجام خوانده است.

این استادان هر یک در جای خود، به روشنی و صراحت نظریاتشان را بیان کرده‌اند، اما متأسفانه دلایل و مستندات لازم را ارایه نکرده‌اند. معلوم نیست که چه دلیلی آقای شهیدی می‌گوید شهاب تعزیه‌نویس نیست و تعزیه‌خوان بوده (۱۴)

و یا این که روشن نیست که بر چه اساسی استاد همایونی «تعزیه‌ی مسلم» را یکی از سروده‌های شهاب بنا به تشویق امیرکبیر می‌داند. (۱۵) جمشید ملک‌پور هم توضیح نمی‌دهد که رقم شصت تعزیه را از کجا آورده و دیگر اینکه معلوم نیست چرا کوشش‌های «شهاب» را که به گفته‌ی خودش شصت مجلس را به نظم در آورده نافرجام خوانده است.

پیش از این متذکر شدیم که بنا به سنت، تعزیه‌نویسان از آوردن نام خود در نسخه‌ها خودداری می‌کردند. بنابراین انتساب این یا آن نسخه به فلان شاعر و مرثیه‌سرا کاری بسیار دشوار و گاه غیرممکن است.

با این وجود با قید احتیاط و با توجه به اسناد و نظر محققان، درباره‌ی کوشش‌های شهاب، می‌توانیم دو خصوص «جنگ شعاع» را احتمالاً، نسبت آن به شهاب اصفهانی، کرده‌ایم. همان‌گونه که می‌دانیم که:

۱- به قول امیرکبیر «شهاب» در رساله‌ی «کلیله و دمنه» شهاب از سوی امیرکبیر به تعزیه‌نویسی و سرودن تعزیه‌ها در تبریز و سایر نقاط، در نظر امیرکبیر، «جنگ شعاع» نامیده می‌شد. و این نام را امیرکبیر در کتاب «تذکره» خود نیز به کار برده است. (۱۶) اما اصلاحات او در تعزیه را پذیرفته‌اند.

۲- جمشید ملک‌پور نیز ضمن پذیرش انجام پالایش اشعار تعزیه توسط شهاب، به سرودن ۶۰ مجلس تعزیه از سوی وی اشاره کرده است.

۳- استاد همایونی تعزیه‌سرایان شهاب را پذیرفته و مجلس «تعزیه مسلم» را یکی از کارهای وی دانسته است.

۵- دکتر شهیدی در تعزیه‌سرا بودن شهاب ابتدا تردید داشته اما بعداً قبول کرده و تردید را به دیگران نسبت داده است. (۱۶) نتیجه آنکه، شهاب شاعر تعزیه‌سرا هم بوده و اصلاحات را هم انجام داده است و به قول میرزا طاهر شعری دوازده مجلس به گفته جمشید ملک‌پور شصت مجلس تعزیه را یا سروده و یا تصحیح و اصلاح

کرده است.

اما فرضیه و گمان من این است که: اولاً کوشش‌های شهاب، آن‌گونه که ملک‌پور گفته است نافرجام نمانده، ثانیاً تعداد تعزیه‌نامه‌هایی که توسط شهاب و به دستور امیرکبیر، سروده یا گردآوری و تصحیح شده، بیش از دوازده مجلس (به گفته میرزا طاهر) و شصت مجلس (به گفته ملک‌پور) است؛ و یکصد و هفده مجلس را شامل می‌شود و به احتمال قریب به یقین مجموعه‌ی «جنگ شعاع» همان مجموعه‌ای است که شهاب گردآورده و تصحیح و تنقیح کرده است، البته اثبات این امر با توجه به این که صفحه یا صفحات اول این مجموعه افتاده است و فاقد نام و نشان است در هر حال دشوار خواهد بود.

اما از آنجا که من همه‌ی مجموعه‌های شناخته شده تعزیه (در داخل و خارج از کشور) را شخصاً دیده‌ام و تعدادی از نسخه‌های آن‌ها را نیز تصحیح و یا ترجمه و یا منتشر کرده‌ام، معذالک هیچ یک را در دسترس من و هم سطح مجموعه‌ی شعاع نیافتم.

۱- مجموعه‌ی خطی «جنگ شعاع» از لحاظ نگارشی و دقت در نوشتار بهتر از سایر نسخه‌ها است.

۲- کل مجموعه به خط نستعلیق زیبایی نوشته شده است.

۳- عنوان و اسامی اشباه مجالس شنگرف است.

۴- در این مجموعه نسخ گوناگون از مجلس‌های مشابه و هم نام تعزیه گردآوری شده و پشت سر هم، به ترتیب نوشته شده است.

۵- در گردآوری مجالس و شیوه‌ی بازنویسی آن‌ها سیر ترتیب و قلیع رعایت گردیده است.

۶- در این مجموعه غلط‌های املائی و اشتباهی رایج در نسخ تعزیه به ندرت دیده می‌شود.

۷- در اشعار کل مجموعه رعایت تناسب و دقت در اوزان و قواعد شعر مشهود است.

۸- در انتهای نسخ مجموعه از قید ابیات دعا و ثنای سلطان و یا بانیان مجالس تعزیه که در اواخر دوره‌ی ناصریه عمومیت یافته بود و در اکثر نسخه‌های دیده می‌شود،

هیچ نشانی نمی‌توان یافت.

- موارد مذکور به روشنی در مجموعه «جنگ شعاع» قابل ملاحظه است؛ و این در حالی است که هیچ یک از مجموعه‌هایی که تا کنون شناخته شده‌اند از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نیستند. مگر نه این است که به گفته نویسنده رساله‌ی گنج شایگان مقصود از فرمان امیرکبیر، اصلاحات و پالایش تعزیه‌نامه‌ها توسط شهاب بوده است؟

پس، از آنجا که هیچ یک از مجموعه‌ها- جز مجموعه‌ی شعاع- از ویژگی‌های اصلاحی و دقت شعری لازم متناسب با دستور امیرکبیر برخوردار نیستند، فرض ما بر این است که مجموعه‌ی «جنگ شعاع» می‌تواند همان مجموعه‌ی گردآوری و اصلاح شده توسط شهاب باشد که در ابتدا دوازده عنوان از مجالس تعزیه را شامل می‌شده ولی رفته‌رفته گسترش یافته و بالاخره دارای یکصد و هفده مجلس تعزیه گردیده است.

اما نکات ابهام‌آمیز قابل اهمیتی نیز وجود دارد که اثبات فرضیه ما را- در حال حاضر- با دشواری‌هایی مواجه می‌کند و آن هم نظر کارشناسانه اساتید ارجمند آقایان ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه است که مجموعه را در «فهرست کتاب‌های خطی

کتابخانه ملی ملک» مربوط به اواخر قرن دوازدهم هـ. ق (یعنی دوره‌ی زندگی) دانسته‌اند. (۱۷) می‌دانیم که فرمان امیرکبیر و انجام آن به سال‌های اولیه سلطنت ناصرالدین شاه مربوط می‌شود و به قول روانشاد دکتر محمد جعفر محبوب «باید در سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۲۶۸ هـ. ق رخ نموده باشد.» بنابراین بیش از نیم قرن فاصله، تحقق فرضیه ما را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد و این معضل تا زمانی که مدارک تازه‌ای یافت نشود و یا این‌که این مجموعه مورد ارزیابی کارشناسانه مجدد قرار نگیرد، همچنان باقی خواهد ماند. البته، در صورتی که کارشناسان پس از بررسی مجدد، همچنان مجموعه را مربوط به اواخر قرن دوازدهم هـ. ق بدانند، ما با این پرسش

مواجه خواهیم شد که: اگر این مجموعه قبل از فرمان امیرکبیر موجود بوده، دیگر به دستور وی برای پالایش نسخه‌های تعزیه چه نیازی بوده است؟

نکته دیگری هم وجود دارد که به گمان ما صحت نظر کارشناسی قدمت این مجموعه تا دوره‌ی زندگی را- تا حدودی- تردیدآفرین می‌کند و آن هم ویژگی نسخه‌های «جنگ شعاع» از نظر کسب و کیفی و تاریخی است؛ آقای بهرام بیضایی در کتاب «نمایش در ایران» می‌نویسد: «تعزیه در اواخر سلطنت زندگی شکل خود را پیدا کرده بوده است؛ کمی بعد، در ابتدای دوره‌ی قاجاریه به دلیل حمایت شاهان و نیز طبقه جدید مرفه بازرگان و رجال سیاسی دامنه‌دارتر شد.» (۱۸)

سند چنین اظهارنظری نوشته‌ی حاصل از مشاهدات ویلیام فرانکلین (Franklin) در



کتاب «مشاهدات سفر از بنگال به ایران» (۱۹) است. فرانکلین، در اواخر دوره‌ی زندگی (مرحوم ۱۱۶۶ قمری) در شیراز شاهد اجرای نمایش‌های تعزیه بوده است؛ از نوشته‌های او چنین برمی‌آید که در آن زمان صحنه‌های گوناگون از واقعه‌ی کربلا، در شکلی کامل و نمایشی به اجرا در می‌آمده است. فرانکلین مشخصاً به اجرای وقایع مربوط به شهادت امام حسین (ع)، قانیای فرنگ و داستان اسلام آوردنش، و نیز به واقعه‌ی عروسی و شهادت حضرت قاسم جوان اشاره می‌کند. بنابراین، به استناد نوشته فرانکلین و اظهار نظر آقای بیضایی در اواخر دوره‌ی زندگی تعزیه شکلی کامل و نمایشی داشته است.

می‌دانیم که تعزیه تنها شکل نمایش سنتی

و ایرانی دارای متن است، و در حال حاضر قدیمی‌ترین مجموعه‌ی شناخته شده‌ی نسخه‌های تعزیه مجموعه «جنگ شهادت» است که مربوط به اواخر زندگی و اوایل دوره‌ی قاجار (زمان فتحعلی شاه) است.

درباره‌ی «جنگ شهادت» قدمت و تعداد نسخه‌های تعزیه آن، خانم دکتر زهرا اقبال (نامدار) نوشته‌اند: «... تعداد تعزیه‌های رایج و معمول آن تاریخ [اواخر دوره‌ی زندگی] بیش از این [سی و سه مجلس] نبوده و نمی‌توانسته به دو یا سه برابر تعداد تعزیه‌های «جنگ شهادت» برسد.» (۲۰)

از سوی دیگر، در مجموعه‌ی نسخه‌های خطی تعزیه‌ی کتابخانه مجلس نیز، به گمان ما، نسخ تعزیه مربوط به دوره‌ی زندگی و یا قبل از آن موجود نیست. (۲۱)

همچنین به استناد کتاب «فهرست درام‌های مذهبی ایرانی» کتابخانه‌ی واتیکان، و نیز در ترجمه آقای جابر عناصری (۲۲) از آن مجموعه هم، نسخه مربوط به زندگی و یا پیش از آن وجود ندارد.

با توجه به نکات مذکور، بسیار بعید به نظر می‌رسد که در دوره‌ی زندگی تعزیه از چنان گستردگی‌ای در اجرا و تنوعی در متن برخوردار بوده که از هر مجلس تعزیه چند نسخه متفاوت نوشته شده باشد و تعزیه‌نامه‌ها از نظر موضوع

دوره‌ی کاملی از وقایع پیش از عاشورا، و پس از آن را شامل گردیده باشند. اندک توجه محققانه به متن‌های گردآوری شده در مجموعه‌ی «جنگ شعاع» ما را مطمئن می‌سازد که در زمان گردآوری نسخه‌های آن (به گمان ما در اوایل دوره‌ی ناصرالدین شاه) تعداد نسخه‌های تعزیه بیشتر از (صد) و هفده مجلس) بوده است و گردآورنده‌ی این مجموعه (به نظر ما، شهاب اصفهانی) دست به انتخاب زده و مجموعه‌ای گزیده فراهم کرده است. از سوی دیگر آقای دکتر عنایت الله شهیدی در مقاله‌ی «شرح و تفسیری از یک مجلس تعزیه» (۲۳) در بخشی که به بحث پیرامون اقسام نسخه‌ها پرداخته‌اند، به منظور دسته‌بندی کلی نسخه‌های تعزیه، با اشاره به کیفیت اشعار،

زیبایی و شیوایی، و یاسستی و ضعف ادبی آن‌ها نسخه‌ها را به سه دسته تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: نسخه‌های قدیم، نسخه‌های جدید، و نسخه‌های دوره‌ی فراموشی و انحطاط تعزیه. ایشان پیرامون نسخه‌های قدیم می‌نویسند:

«... مقصود نسخه‌هایی است که از اواخر عهد صفوی یا دست کم از دوره‌ی زندیان تا اوایل عهد قاجار سروده و ساخته و یا تألیف و تدوین شده‌اند. این نسخه‌ها هم متعددند و هم متنوع، اما تعدد و تنوع و فراوانی آن‌ها به اندازه‌ی نسخه‌های دوره‌ی قاجار نیست» (۲۴) بنابراین، آقای دکتر شهیدی- که از جمله پژوهشگران صاحب نظر و نسخه‌شناسان معتبر تعزیه هستند- نیز تنوع و تعدد نسخه‌های تعزیه را مربوط به دوره قاجار می‌دانند؛ این اظهار نظر ایشان می‌تواند در جهت تأکید بر فرضیه‌ی ما قرار بگیرد زیرا به دلیل تنوع و تعدد نسخه‌های مربوط به یک واقعه، سبک و سیاق نوشتار و نوع خط و نیز گوناگونی اوزان شعری و ساده‌تر شدن اشعار و دلایل دیگری که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، نسخه‌های تعزیه مجموعه‌ی «جنگ شعاع» به انواع نسخه‌های دوره‌ی قاجار شباهت بیشتری دارد تا مثلاً به تعزیه‌نامه‌های مجموعه‌ی «جنگ شهادت» که مربوط به دوره‌ی زندیه است.

در هر حال، اظهار نظر محققین و نسخه‌شناسان تعزیه از یک سو، و نیز بررسی و کارشناسی مجدد این مجموعه به منظور شناسایی و تخمین قدمت آن از سوی دیگر، می‌تواند در اثبات و یا رد فرضیه مادر خصوص «جنگ شعاع» مؤثر و کمک‌کننده و راهگشا باشد.

حرف آخر

چهار سال پیش در این مجله، در مقاله‌ی «علاقه کار بر روی نسخه‌های قدیمی کتابخانه‌ی ملی» به بررسی نسخه‌های قدیمی و دشوار خوانده‌ی این کتابخانه‌ی ملی، یا بندهای احتمالی، اندیشه نگردم. به راستی، در این احوال و فرجام این کار، به نظر پژوهشی، مصداق واقعی این ضرب‌المثل می‌شود که:

«آمدیم ثواب کنیم کسب کردیم کار من بر روی این نسخه‌ها، توسط ناشر متوقف شد»

جایی دیگر - اگر عمری باقی باشد- خواهم آورد.

نخستین جلد این مجموعه در شرایطی منتشر شد که از آن بی‌اطلاع بودم و خیرش را مثل دیگران در مطبوعات خواندم. با آن‌که مقدمه مجموعه را دو سال پیش آماده کرده و به ناشر سپرده بودم، مجموعه را با مقدمه‌ی آقای جمشید ملک‌پور چاپ کردند. مقدمه مرا هم ناشر پیش خود نگه داشته بود و پس از انتشار کتاب به من برگردانید. این هم از عجایب روزگار است که اتفاقاً کسی مقدمه‌نویس این مجموعه شد که به استناد آثار منتشره شده‌اش از وجود مجموعه تعزیه‌نامه‌های کتابخانه و مجلس و ملک‌خبر نداشته است (برای اطمینان مراجعه کنید به فصل تعزیه کتاب «ادبیات نمایشی در ایران» و نیز کتاب «سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی» ایشان).

مجموعه‌های معتبر نسخه‌های تعزیه و از آن جمله مجموعه کتابخانه‌ی ملک را من در مقدمه‌ای که بر «دو روایت از مجلس شبیه‌درویش بیابانی و حضرت موسی» در مجله تحقیقات ایران‌شناسی/ سال نهم/ شماره ۲/ بهار ۱۳۷۰ برای نخستین بار چاپ کرده‌ام، جای آن داشت که آقای ملک‌پور به هنگام نوشتن مقدمه‌ی خود به نظر من به آن می‌انداختند تا جایی برای کلی‌گویی و سرهم‌بندی باقی نماند.

گمانم بر این است که خوانندگان کنجگار و پس از مطالعه و مقایسه این دو مقدمه به خوبی در خواهند یافت که این دو مقدمه به و غم‌انگیز احتمالی است که می‌توانسته «بوده باشد»؛ پدیده‌ی «تاریخ‌نگاری» محترم گسترش هنر تعزیه در ایران، در این روش جدیدی را در علم تاریخ‌نگاری تعزیه (۱۱)

۱- فهرست کتاب‌های تعزیه‌نامه‌های ملی
ملک‌پور، جمشید، «تاریخ‌نگاری تعزیه»، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، صص ۱۰۲-۷۱.

۲- ملک‌پور، جمشید، «سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی (تعزیه)»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول آبان ۱۳۶۶، صص ۶۱.

انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۶۸، صص ۲۳۱
۳- چلکوفسکی، پیتر- عباس جوانمرد و دلیر- مجله‌ی ایران‌شناسی- سال دهم- شماره ۲، کالیفرنیا تابستان ۱۳۷۷

۵- بیضایی، بهرام- نمایش در ایران- تهران مهرماه ۱۳۴۴، صص ۱۴۱

۶- بسیاری از کوشندگان و محققان تعزیه، میرزا محمدتقی معین‌البکاء بزرگ را پدر میرزا محمدباقر نامیده‌اند. آقای دکتر عنایت‌اله شهیدی، در مقاله «یادی از چند تعزیه‌گردان قدیم» فصلنامه تئاتر، شماره مسلسل ۱۷ دوره‌ی جدید شماره (۱) زمستان ۱۳۷۷ با رایحه اسناد و مدارک متذکر گردیده‌اند که: «برخلاف آنچه مرحوم مستوفی (با قید کلمه گویا) و نویسندگان دیگر به نقل از او با قطع و یقین میرزا محمدتقی را پدر میرزا محمدباقر دانسته‌اند، وی عموی نام‌برده بوده است، نه پدر او.

۷- نقل از منابع مطالعاتی گردآوری شده‌ی شخصی.

۸- نقل از پیشین

۹- دیباجه نگار اصفهانی، میرزا طاهر (شعری)، تذکره‌ی کنج شایگان (چاپ سنگی، تهران، ۱۳۷۲ هـ ق صص ۲۴۴

۱۰- محبوب، محمدجعفر «تأثیر تئاتر اروپایی و نفوذ روش‌های نمایش آن در تعزیه» در: تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران، گردآورنده پیتر چلکوفسکی، ترجمه داوود حاتمی، تهران انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷، صص ۱۸۵-۲۰۹.

۱۱- همایونی، صادق «تعزیه در ایران» شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۶۸، صص ۲۳۱.

۱۲- شهیدی، عنایت‌اله «دگرگونی و تحول در ادبیات و موسیقی تعزیه» در: تعزیه، هنر بومی و پیشرو ایران، پیتر چلکوفسکی، ترجمه داوود حاتمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷، صص ۷۱-۱۰۲.

۱۳- ملک‌پور، جمشید، «سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی (تعزیه)»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول آبان ۱۳۶۶، صص ۶۱.

۱۴- استاد شهیدی در مقاله «یادی از چند تعزیه‌گردان قدیم» در «فصلنامه‌ی تئاتر» شماره ۱۷- فصل ۱۷- دوره‌ی جدید شماره ۱،

زمستان ۱۳۷۷، صص ۶۲-۱۰۰. ضمن اشاره به یکی از نسخه‌های تاریخ دار قدیم تهران، (نسخه‌ی تعزیه‌ی شهادت عباس). یا آن‌که تعزیه‌سرا بودن شهاب را پذیرفته‌اند و در خصوص این نسخه تصریح کرده‌اند: «سروده‌ی تاج الشعراء، میرزا نصراله شهاب اصفهانی، که میرزاتقی با خط ریز شکسته زیبای خود آن را رونویسی کرده است.» اما باز هم در همان جا متذکر شده‌اند، «گفتنی است که اشعار تعزیه شهاب به صورتی پراکنده در بعضی نسخه‌ها نوشته شده اما تا آنجا که آگاهی دارم مجموعه‌ی نسخه‌های او در کتابخانه‌ها یافت نمی‌شود. حتی برخی از صاحب نظران در این‌که شهاب اشعار نمایش تعزیه ساخته باشد تردید دارند و برآنند که شهاب فقط مرثیه ساخته است و نه شعر نمایشی.»

۱۵- در گفتگویی نظر استاد همایونی را در این خصوص جویا شدم. فرمودند که مدرک و سند نوشته‌ی ایشان، بروشور مربوط به اجرای «تعزیه مسلم» در سال ۱۳۴۹ در جشن هنر شیراز است که در آن به قلم آقای مایل بکتاش چنین آمده که: «میرزا نصراله اصفهانی متخلص به شهاب پیشقدم جنبش اصلاح تعزیه در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه و سراینده مهم بسیاری از

مجالس تعزیه است که تعزیه مسلم نیز از آن جمله به شمار می‌آید.»

۱۶- نگاه کنید به یادداشت‌های صفحه‌های ۸۲ و ۸۵ از: مقاله‌ی «یادی از چند تعزیه‌گردان قدیم» به قلم عنایت‌اله شهیدی، فصلنامه تئاتر، ویژه پژوهش‌های تئاتری، شماره مسلسل ۱۷، دوره‌ی جدید شماره ۱، زمستان ۱۳۷۷.

۱۷- فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی

ملک- همان، ص ۱۰۰

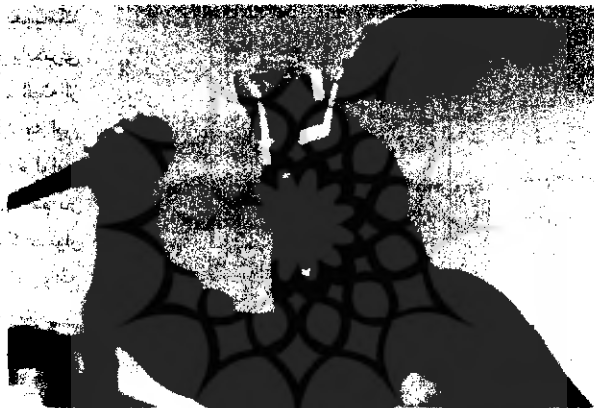
۱۸- بیضایی، بهرام. نمایش در ایران، ص ۱۲۱

- from Bengali to persia, London, ۱۷۹۰. ۱۹-

Franklin, W

۲۰- جنگ شهادت- همان، ص ۱۲.

۲۱- بنا بر یادداشت‌هایی که به هنگام مطالعه و بررسی نسخه‌های خطی تعزیه کتابخانه مجلس در سال ۱۳۵۵ برداشته‌ام از میان آن دسته از نسخه‌ها که دارای تاریخ هستند. قدیمی‌ترین نسخه «مجلس شهادت جعفر طیار» به شماره ۵۸ است؛ این نسخه که به صورت جنگ ورقی است در حاشیه متن دارای ماده تاریخی به این عبارت است: «به تاریخ دوشنبه پانزدهم رجب ۱۲۲۶ [۱۸۲۰] ساخته شده است.» به جز این مجلس، نسخه‌ای از «مجلس امیر تیمور» به صورت فرد، به شماره ۲ موقت نیز وجود دارد که در پایان آن چنین آمده: بزرگوار خدایا به حق جبه حسین به حق آن‌که مدام‌اند در پناه حسین رسان به قائم آل محمد (ص) ای الله



خوانندگان محترم و بد و بیراه ادبی به یاره‌گویان پلشت، به نون و القم سوگند خورده و در ادامه مرقوم فرموده‌اند که: «... بهیچ دروغ و میثالی... عهد بود که شب و روز را فرقی نگذاشتم و در حالی که حتی یک کلمه زبان ایتالیایی نمی‌دانستم در پیرانه سر- زبان ایتالیایی یاد گرفتم تا متن فارسی فهرست توصیفی نمایشنامه‌های مذهبی ایرانی را به فارسی تهیه کنم و دیدم که عفتای همت را پروازی بلند است و فقط خفاشان کور چشمند که در برابر آفتاب حقیقت چشم برمی‌بندند.» (همان ص ۹). متأسفانه این استاد تعزیه‌شناسی خیلی سریع عهد و میثاق را فراموش کرده‌اند و با آن‌که «نیه قول خودشان» زبان ایتالیایی یاد گرفته‌اند از

ترجمه پیش‌گفتار انریکو چروالی Enrico Cerulli گردآورنده‌ی تعزیه‌نامه‌های مجموعه واتیکان و مقدمه‌ی بسیار ارزشمند زور خاوشناس ایتالیایی آتوره روسی Ettore Rossi و آلبیو بمباچی Alessio Bombaci تهیه و تنظیم‌کنندگان کتاب فهرست که اتفاقاً به زبان ایتالیایی است خودداری نموده و فقط فهرست نسخ را که با حروف لاتین به فارسی آوانگاری شده است از «فارسی به فارسی»

ترجمه کرده‌اند.

۲۲- شهیدی، عنایت‌الله- شرح و تفسیری از یک مجلس تعزیه فصلنامه تئاتر، دوره‌ی جدید شماره ۶ و ۷ تهران، بهار و تابستان ۱۳۷۹، صص ۹۵ تا ۹۵.

۲۲- شهیدی، عنایت‌الله همان، ص ۷۰.

دوام دولت سلطان جم محمد شاه پس، این دو نسخه مربوط به دوره محمد شاه قاجارند؛ و بعید به نظر می‌رسد که در میان سایر نسخه‌های این کتابخانه- یعنی آن دسته، که فاقد تاریخ‌اند- مجالس قدیم‌تری وجود داشته باشد.

۲۲- در سال ۱۳۶۸ آقای جلیبر عناصری ترجمه‌ای (۲۹) از این کتاب فهرست را تحت عنوان «فهرست توصیفی نمایشنامه‌های مذهبی ایرانی» به فارسی زبانان آرایه کردند؛ ایشان در مقدمه‌ی بسیار ادیبانه‌ای که بر به اصطلاح ترجمه این کتاب فهرست نوشته‌اند پس از مقداری تذکرات عالمانه به

